

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهم
از آن به که کشور به دشمن دهم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی – فرهنگی

تیمور شاه تیموری

المان – 31 جنوری 2012

کنار پنجره

ساعتها کنار پنجره نشسته ام
و به افق دور نظر میکنم
ساعتهای طولانی،
افق دور و طولانی

هرگاه کسی مرا ببیند
گمان میکند چیزی را گم کرده ام و گمشده ای را میپالم
این راست است،
بلی من چیزی را میپالم
من امید گمشده ام را میپالم
امیدی که سالهاست از من فرار کرده
امیدی که دیگر باز نخواهد گشت

آنطرفها پرندگانی کوچک خوشرنگ
از شاخی به شاخی میپروند و نغمه میخوانند
آنها امید دارند،
آنها امیدوارند
امید اینکه چوپه بار می آورند و آنها را میپروارند

مادری طفلش را با کوله پشتی پر از کتاب جانب مکتب میکشاند
هر دو امیدوارند، هم مادر و هم طفل

اما من به چه چیز باید امیدوار باشم؟
من امیدم را گم کرده ام
امیدم را از دست داده ام
دیگر آن به سراغم نمی آید

و این سخت ترین حالت روحی ست برای یک انسان
انسان ناامید،

انسان بدون آینده،

انسان مهاجر و انسان نافرجام

بازهم کنار پنجره و ساعات طولانی پایان ناپذیر!!!